حسینی دهشیری، افضل السادات؛ اسلامی، ادریس (۱۳۹۱). آیین زرتشت و دلالت‌های تربیتی آن (بر اساس متن گات‌ها).
پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲ (۱)، ۱۴۶- ۱۲۷

آیین زرتشت و دلالت‌های تربیتی آن (بر اساس متن گات‌ها)

دکتر افضل السادات حسینی دهشیری [۱]، ادریس اسلامی [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اندیشه‌های تربیتی آیین زرتشت بر اساس متن گات‌ها است. برای دستیابی به این هدف، نخست به معرفی زرتشت پرداخته شد. سپس، مبانی فلسفی این آیین در چهارچوب انسان کامل و ویژگی‌های آن بیان شد. در نهایت، دلالت‌های تربیتی این مبانی در قالب عناصر تربیتی مانند غایت، هدف‌های کلی، اصول و روش‌های تربیت استخراج شدند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که انسان کامل دارای ویژگی‌هایی مانند قرب به اهورا، پیروی از اَشا یا راستی، منش نیک، برخورداری از دانش لدّنی و ارشاد است. بر اساس این مبانی، غایت تربیت، قرب به اهورا و هدف‌های کلی آن، شناخت قانون جهانی و عمل به آن، اخلاق مداری، اشراق گرایی و رشد حس مسئولیت اجتماعی است. اصول تربیتی متناظر با این مبانی و هدف‌های کلی عبارتند از خردورزی، آزادی در انتخاب و پیروی از دئنا، پرورش ابزارهای شناسایی انسان و تلاش و پیکار اخلاقی. بر پایه این اصول، هدف‌ها و مبانی، روش‌های تربیتی چون تدبر در طبیعت، آموزش فعال آیین زرتشت، پند و اندرز، آموزش فن سخنوری، ستایش و عبادت، بازی، ورزش و آموزش‌های جنگاوری استنتاج شد.

واژه‌های کلیدی: *ایران باستان، آیین زرتشت، گات‌ها، انسان کامل، دلالت‌های تربیتی*

---

[۱] . دانشیار دانشکده روان شناسی وعلوم تربیتی دانشگاه تهران، afhoseini@ut.ac.ir

[۲] . عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد

مقدمه

ایران باستان اهمیت بسزائی در شکل‌گیری تمدن و بسیاری از مظاهر مادی و معنوی فرهنگ بشری دارد. یکی از آیین‌هایی که در این دوره در حیات فرهنگی اجتماع بشری تأثیرگذار و بانفوذ بوده است، آیین زرتشت است که زرتشت پیام‌آور آن است؛ «دینی که این پیغمبر ایرانی تعلیم فرمود یک آیین اخلاقی و طریقه یگانه پرستی است.»(ناس[1]، ۱۹۶۸،۴۵۶). زبان آن، اوستایی است و از زبانه‌ای مهم ایران باستان به شمار می‌آید (زرشناس،۱۳۳۰). «کتاب مقدس و آسمانی دین زردشتیان اوستاست... مهم‌ترین قسمت اوستای موجود درزمان ما یسناست و آن مشتمل بر گات‌ها یعنی سرودهای خاص زردشت می‌باشد.»(ناس، ۱۹۶۸، ۴۵۰).

تربیت در این دوره، مؤلفه‌ای بسیار مهم و مورد توجه شاهان، روحانیون و برخی طبقات اجتماعی بوده است. در ایران باستان درباره تربیت و چگونگی آن در آیین زرتشت آثاری نوشته شده است و از زمان‌های قدیم اندیشمندان زیادی در این باره قلم فرسایی کرده‌اند. نکته قابل توجه در این آثار این است که آنها بیشتر بر«توصیف» تأکید دارند و کمتر به «تبیین» و «بیان مبانی فلسفی» و استنتاج هدف‌ها، اصول و روش‌های تربیتی مبتنی بر آن پرداخته‌اند. با وجود این، در دوره حاضر مطالعاتی برای رفع این کاستی صورت گرفته است. رستمی نسب (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «زرتشت و تربیت» پس از ارائه مبانی فلسفی، جهان شناسی و انسان شناسی به استنتاج هدف‌ها، اصول، روش‌ها و مراحل تربیت مبتنی بر آیین زرتشت پرداخته است. همچنین، رضوی(۱۳۸۴) در مطالعه ای با عنوان «نگاهی به تعلیم و تربیت از دیدگاه زرتشت» پس از طرح مبانی انسان شناختی این آیین، هدف‌ها، اصول و روش‌های تربیتی آن را استنتاج کرده است. اگرچه این تلاش‌ها گام مهمی در جهت رفع نقص‌های موجود محسوب می‌شوند، اما اشکال‌هایی نیز دارند. اساسی‌ترین نقص آنها «عدم تناظر» هدف‌ها با مبانی، اصول با مبانی و هدف‌ها و روش‌ها با هدف‌ها، مبانی و اصول است. واضح است که اگر بین مبانی، هدف‌ها، اصول و روش‌های تربیتی تناظر و رابطه منطقی وجود نداشته باشد، حاصل آن استنتاج «بدون نظم و ضابطه» هدف‌ها، اصول و روش‌های تربیتی خواهد بود(باقری،۱۳۸۵).

بنابراین، در این مقاله ضمن تبیین مبانی فلسفی آیین زرتشت تلاش شده است تا بین مبانی، هدف‌ها، اصول و روش‌های تربیتی تناظر و رابطه منطقی برقرار شود. با این توضیح که نخست کلیاتی درباره زرتشت و زندگی او بیان می‌شود. سپس، بر اساس متن گات‌ها به بررسی اندیشه‌ها و عناصر فلسفی

[1]. Noss

این آیین پرداخته می‌شود و از آنجا که چگونگی تربیت بر چگونگی نگرش ما نسبت به انسان کامل مبتنی است، بر اساس گزاره‌های فلسفی مربوط به آن دلالت‌های تربیتی این آیین در قالب عناصر تربیتی مانند غایت، هدف‌های کلی، اصول و روش‌های تربیت استنتاج می‌شود. ضرورت و اهمیت این مطالعه علاوه بر رفع کاستی‌های فوق، کمک به بسط مطالعه در خصوص مربیان بزرگ شرق به ویژه ایران است.

معرفی زرتشت

زندگی زرتشت در شش هزار سال تاریخ نامکتوب شناور است و معلوم نیست که او در آغاز عصر تاریخی می‌زیسته یا در عصر تاریخی- اساطیری و یا دورتر از این دو، هم عصر ارمیای نبی، بودا و کنفوسیوس بوده یا او را باید پیشاهنگ همه پیامبران دانست(رجبی،۱۳۸۰، ۱۵۴). بر اساس تحقیقات یونانی، زمان زندگی زرتشت به شش هزار سال پیش از افلاطون و به عصر نو سنگی بر می‌گردد. والتر هینتس[1] با تکیه بر منابع و شواهد اسلامی زمان زندگی زرتشت را ۲۲ مارس(دوم فروردین)۶۳۰ پیش از میلاد دانسته است(آقایی، ۱۳۷۸). محققان دیگری با استناد به اینکه در متنی آشوری از آسوربنی پال(۶۳۱-۶۶۸ پیش از میلاد) نام «اس- سه- ره مه- زه- اش» مدلول نام اهورا مزداست، زمان زندگی زرتشت را این دوره می‌دانند(رجبی، ۱۳۸۰).

در مورد زادگاه زرتشت نیز میان محققان و اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. تعداد زیادی از تاریخ‌نویسان و جغرافی‌دانان اسلامی مانند ابن خُرداذبه، ابن الفقیه، مسعودی، حمزه اصفهانی، یاقوت حموی و قزوینی زرتشت را از «آذربایجان» به ویژه «ارومیه» دانسته‌اند؛ طبری، ابن اثیر و میر خواند محل تولد او را فلسطین می‌دانند و از آنجا به آذربایجان مهاجرت کرده است(الهامی،۱۳۷۸،۴۰). علاوه بر تاریخ‌نویسان و جغرافی‌دانان اسلامی، در بین اندیشمندان غربی و خاورشناسان نیز اختلاف نظر وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان آنها را در دو قطب مخالف قرار داد. برخی محققان از جمله سفالیون[2]، تیون[3]، یوستین[4]، آرنوبیوس[5]، ایو سی بیوس[6]، ایپی فانیوس[7] زرتشت را از بلخ و بعضی دیگر مانند پلینی[8]،

[1]. Hints
[2]. Cephalion
[3]. Theon
[4]. Justin
[5]. Arnobius
[6]. Eusebius
[7]. Epiphanius
[8]. Pliny

الگزندرینوس[1]، گینس[2]، لائرتیوس[3]، پارفیریوس[4]، لکتنتیوس[5] او را از مغرب و آذربایجان می‌دانند (جیوانجی و شهمردان، ۱۳۵۴).

زرتشت از پدری به نام پوروشسپ و مادری به نام دغدو متولد شد و از سن هفت تا پانزده سالگی نزد برزین نامی به فراگیری اصول دینی، کشاورزی و شفای بیماران پرداخت. هنگامی که تورانیان به ایران حمله کردند او همانند سایر جوانان به جنگ رفت. اما کشت و کشتار دلش را به درد آورد و از صف جنگاوران خارج کرد و به پرستاری از زخمیان پرداخت تا این که جنگ به پایان رسید. او پس از بازگشت به کانون خانواده بیشتر در فکر راهی برای پایان دادن جنگ‌ها و ایجاد صلح و آشتی بود. هنگامی که بیست سال داشت، از خانواده کناره گرفت و ده سال به تفکر و ریاضت پرداخت. روزی در حالی که بر فراز کوهی به آسمان نظر دوخته بود، ناگهان به حقیقت بزرگی دست یافت. او دریافت همان گونه که زمان از شب و روز و تاریکی و روشنایی آمیخته شده است، در جهان هم زشتی و زیبایی وجود دارد. پس بر جهان دو نیرو حکومت می‌کند. یکی خیر و دیگری شرّ. پس از دریافت این مسأله به میان مردم بازگشت و به دعوت مردم برای ورود به راستی و درستی پرداخت(رضی،۱۳۸۱).

انسان کامل در آیین زرتشت

در این بخش بر اساس متن گات‌ها، معتبرترین سند در آیین زرتشت، انسان کامل توصیف می‌شود. گات‌ها دارای هفده هات یا بخش است که به هنگام گردآوری اوستا آن را در میان یسنا که نیایش‌های کهن پیش از زرتشت است جای داده‌اند. بدین ترتیب، نخستین هات گات‌ها بیست و هشتمین هات یسنا قلمداد شده است(گاتاها،۱۳۸۳). علاوه بر این، در تفسیر آموزه‌ها از تفسیرهای معتبر ایرانی و خارجی نیز بهره گرفته می‌شود.

قرب به اهورا

اهورا آفریننده جهان و کائنات است. او دهنده خوبی‌هاست و بدی در آستان او راه ندارد. او سازنده است و ویرانی نمی‌شناسد. او از هستی خود می‌دهد و پدید می‌آورد. او گوهر و دهنده خِرد، راستی و داد، آرامش و مهر، نیروی برگزیده و شهریار اهورایی، رسایی و فراگیری، جاودانی و بی مرگی

---

[1]. Alexandrinus
[2]. Origenes
[3]. Laertius
[4]. Porphyrius
[5]. Lactantius

است(مهر،۱۳۸۰، ۲۷). بارزترین ویژگی اهورا خِرد مقدس یا همان «امشاسپند وهومنه[1]» است که تنها متعلق به اوست (هات ۲۸، بند ۱۱). خِرد اهورا آفریننده راستی است(هات ۳۱، بند ۷). هرگاه خِرد اهورایی در کسی تجلی کند، نیرو و منش پاک در او ظهور می‌کند و او هیچ گاه توسط دروغ فریفته نخواهد شد(هات۴۳، بند ۶). تجلی این خِرد سبب شناخت اهورا می‌شود(هات ۴۳، بند ۱۳). در گات‌ها، کسب آسایش دو جهان در گِرو قرب به اهوراست(هات ۲۸، بند۲) و باید همه روی به سوی اهورا آورند(هات۳۲، بند ۱). اگرچه قرب به اهورا برای همه امکان پذیراست، اما تنها انسان کامل است که به این مقام نائل می‌آید. بنابراین، اساسی‌ترین ویژگی انسان کامل، قرب به اهوراست.

پیروی از اَشا یا راستی

اَشا، قانون راستی و داد است. عمل به راستی، در اندیشه، گفتار و کردار، دادگری است. هیچ کنشی راست نیست، مگر آن که با قانون « اَشا» سازگار باشد. قانونی که از روی راستی فراهم نشده و دادگستری را استواری نبخشد، قانون نیست. اشا هم قانون طبیعی و هم قانون الهی است. اشا، قانون دگرگونی ناپذیر، ازلی و ابدی است (مهر،۱۳۸۰،۶۱). او پدر یا واضع یک قانون جهانی و نظام کیهانی است، یعنی اَشَه که با تعبیر پدر اَشَه یا پدیدآورنده آن که اهورامزداست بیان شده است. نظام راستی و درستی در طبیعت و همه شئون زندگی ساری است. به وسیله این قانون است که خداوند مسلط و ناظر بر همه امور جهان می‌باشد و واقف و آگاه به آنچه که به طور آشکار یا پنهان می‌گذرد و می‌گردد(هینتس،۱۳۸۲، ۲۳۲). در گات‌ها آمده است که قرب به اهورا درگِرو راستی است(هات ۲۸، بند۲). تنها پیرو راستی، بهترین یاور اهوراست و می‌تواند از کشور محافظت کند(هات ۳۱، بند ۲۲).

در آیین زرتشت، راستی خیر است. از این رو، باید مفهوم خیر را واکاوی کنیم. از دید گات‌ها، جهان از دو نیروی «سپنتامینیو[2]» و «انگره مینیو[3]» ساخته شده است که از اجتماع این دو، زندگی و نازندگی به وجود می‌آید(هات ۳۰، بند ۴). سپنتامینیو، خیر است. صفات اهورا مزدا، در سپنتامینیو و آفرینش، تظاهر و تجلّی می‌یابند. سپنتامینیو، یک عامل میانجی(واسطه) بین جهان دگرگونی ناپذیر مینوی و یا دگرگونی پذیر مادی نیست. او یک حالت و یا چگونگی است بین جهان برونی وجهان درونی اهورامزدا، که خوبی و فراوانی و سازندگی را جلوه و تحقق خارجی می‌بخشد. سپنتامینیو از جنبه جهان بیرونی، جوهر نیکویی

[1]. vohmanah
[2]. spenta minyu
[3]. angra minyu

در جهان مینوی و از جنبه جهان درونی، تظاهر خوبی در جهان مادی است(مهر،۱۳۸۰). سپنتامینیو سازنده، آفریننده و مثبت است و انگره مینیو نبودن سپنتامینیو و ویرانگری، عدم تولید و منفی است(مهر،۱۳۸۰، ۵۹). نکته مهم این است که دوگانه انگاری آموزه های زرتشت، اخلاقی است نه متافیزیکی(کوردوان[1]، ۱۹۹۷، ۳۰؛ ماحوزی، ۱۳۸۳). انگره مینیو یا شرّ چیزی جز عدم یا نبود سپنتامینیو یا خیر نیست. این عقیده به طور آشکار با ایده افلاطون و آگوستین هماهنگی دارد؛ شرّ، امری عدمی است(فیاض بخش، ۱۳۸۸؛ تبار صفر،۱۳۸۴). در تأیید این سخن، کاپادیا[2] و بسیاری از زرتشت شناسان غرب معتقدند که زرتشت دوگانه انگاری را رواج نداده است(کاپادیا، ۱۹۰۵).

در این آیین به ویژه در گات‌ها توحید و یکتاپرستی مشاهده می‌شود. آلبرت آوی[3] بر این باور است که زرتشت، پیامبری است که دین یکتاپرستی را به انسان هدیه کرد(طوسی، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، ۹۵؛ سخایی، ۱۳۸۲،۱۴۰). الیاده[4] نیز معتقد است که خداشناسی آیین زرتشت به معنای دقیق کلمه، ثنوی نیست(الیاده، ۱۳۸۱، ۴۹). با وجود این، در دوره‌های متأخر آن می‌توان شاهد دوگانه انگاری بود، ثنویّت دو موجود مستقل اهورا و اهریمن. بر این اساس، اهورا آفریننده خیر یا سپنتامینیو است و اهریمن، آفریننده شرّ یا انگره مینیو. زیرا اهورا جز خیر نمی‌تواند بیافریند. این تصور، نادرست است و با مبانی اعتقادی این آیین منافات دارد. زیرا چنانکه اشاره شد، این دوگانه انگاری به معنی اخلاقی آن است نه معنای متافیزیکی و از حیث متافیزیکی، شرّ چیزی جز عدم خیر نیست. به بیان دیگر، به لحاظ اخلاقی می‌توان از خیر و شرّ سخن گفت. اما به لحاظ متافیزیکی، شرّی وجود ندارد. آیین متأخر زرتشت میان این دو حیثیت و مقام خلط کرده است(شیخی، ۱۳۷۶، ۷۰-۶۸).

از دید زرتشت کسی که از سپنتامینیو یا خیر پیروی کند، در واقع، از اَشا یا راستی پیروی کرده است. پیشه کردن این راستی سبب چیرگی بر دشمنان (هات ۲۸، بند ۶) و تمایز دانا از نادان است(هات ۴۶، بند ۱۷). همچنین، کسانی که راه راستی را پیشه خود می‌سازند، دادگرند و شایسته رهبری. اهورا رهبری را برای مردم می‌پسندد که بیدادگر نیست بلکه شخصی بی آزار و مهربان است(هات ۲۹، بند ۳). در دین زرتشت معنی عدل این است که هرکس نتیجه و بهره کار خود «میژده» را دریافت می‌کند(مهر،۱۳۸۰، ۶۲). از این رو، دادگری انسان کامل در یاری رساندن به افراد در رسیدن به پیامدهای مثبت در زندگی است.

1. Corduan
2. Kapadia
3. Avey
4. Eliade

منش نیک

انسان کامل، برخوردار از منش نیک است. در عبارت‌هایی به طور آشکار نیکی لازمه راستی دانسته شده است؛ با پندار و کردار و منش نیک و پارسایی است که روان به راستی می‌پیوندد(هات ۳۴، بند۲) و توجه اهورا و راستی متوجه کسانی است که «در کردارهایشان و در زبانشان ای اهورا و اردیبهشت به گفتارهای شما پیوستند و به منش نیک ای مزدا تو آنان را نخستین آموزگار هستی.»(هات۵۱، بند ۳). کسی از بهترین بهره راستی برخوردار خواهد شد که «با کوشش در کردارهایش بهتر به جای آورد.»(هات ۵۱، بند ۱).

چنانکه اشاره شد، اَشا یا راستی، قانون زندگی و نظام معیار است. اگر آدمی، در پندار، گفتار و کردار منطبق با این قانون زندگی کند، به نیکی خواهد گروید. پیرو اشا، اندیشه، گفتار و کردار نیک خواهد داشت(اسکجائروو[1]،۲۰۰۶). بنابراین، معیار معرفت و منش نیک، راستی است. منش نیک، بهترین دارایی است که زرتشت به یاران خود هدیه می‌دهد(هات ۴۶، بند ۱۸) چون کسی که راه راست را به مردم بیاموزد، از بهترین پاداش و نیروی اهورایی برخوردار است که در پرتو منش نیک به دست می‌آید(هات ۳۰، بند ۶). آنچه نگهبان روان است، منش نیک است(هات ۲۸، بند ۵). منش پاک، مایه شناخت اهوراست(هات ۴۳، بند ۷). زرتشت از اهورا می‌پرسد: «رادمردان تو ای اهورا چه کسانی هستند. می‌گوید: آنان که شناخته شده به منش نیک هستند و با وجود همه آزارها و رنج‌ها از سوی دشمنان به مردم از آموزش دین راستین بهره رسانند.» (هات ۳۴، بند ۷). بزرگ‌ترین پاداش از آن کسی است که در جهان با منش نیک به کار و کوشش بپردازد و در آبادانی جهان بکوشد و خواست اهورا را برآورده سازد(هات ۳۴، بند ۱۴).

برخورداری از دانش لدنّی

انسان کامل از «دانش» بهره‌مند است و منظور از آن «دانش لدنّی» است که اهورا به او ارزانی می‌دارد: «اهورای نیک خواه به میانجی، دین راستین می‌آموزاند.»(هات ۴۸، بند ۳). زرتشت، به عنوان نمونه ای از انسان کامل، نخستین آموزه های راستی و نیکی را از اهورا دریافت کرد و در پای درس نخستین آموزگار نشست: «باشد که با این‌ها (سرودها و آموزش‌ها) ای اَهورا راستی و نیک اندیشی(اشا و وُهومن) را برای همیشه پاسداری کنی. مرا از راه گفتار و با دهانت از جهان معنوی خود(مانترا و پیام

---

[1] . Skjærvo

آزادی) فرا آموز. به وسیله آنهاست که نخستین و برترین زندگی پدید می‌شود.»(هات ۲۸، بند۱۱). آگاهی از ناشناخته های این جهان، از آرزوهای بزرگ زرتشت است که آن را از خدا درخواست می‌کند: «ای خداوند جان و خرد مرا از همه چیز آگاه ساز.»(هات ۳۱، بند ۵).

ارشاد

«خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد.»(هات ۴۳، بند ۱). انسان کامل، نمونه بارز انسان خوشبخت است. او رهبر راستین جامعه است که مردم را به اهورا، اَشا و نیکی فرا می‌خواند. از آنجا که انسان کامل اَشویی و دادگراست، می‌کوشد با نشان دادن آثار و پیامدهای مثبت کارهای نیک، مردم را ارشاد نماید. در مقابل، رهبر غیر راستین جامعه، انسان ناکامل و گمراهی است که دیگران را گمراه می‌سازد. زرتشت، وضعیت این رهبران را چنین توصیف می‌کند: «آنان بدکاران را به خاطر شکوه و جلال مادی بزرگ می شمارند. آنان، مایه تباهی زندگی هستند؛ گفتارشان فریبنده است و در اثر کج اندیشی، گرگ‌های درنده‌ای مانند گرهما و کرپنها را به راستان و پاکان برتری داده و برای هواخواهان دروغ آرزوی سروری می‌کنند.»(هات ۳۲، بند۱۱و ۱۲).

زرتشت، نمونه انسان کامل

در گات‌ها، عباراتی وجود دارد که به طور آشکار به برگزیدگی و «کمال» زرتشت اشاره می‌کند. در بند ۱ هات ۳۰، وقتی گِئوش اوروَن[1] یا روان آفرینش از آفریدگار شکایت می‌کند که به خاطر خشم و ستم و سنگدلی و درشتی و زور به ستوه آمده و خواهان ناجی است، اهورا از اَشا یا پاسدار آتش و نگه‌دارنده سلامت تن درباره هویت این ناجی یا انسان کامل سؤال می‌کند و او در پاسخ می‌گوید کسی را نمی‌شناسد که بتواند ظلم و جور را نابود کند. اما می‌گوید او باید بسیار قدرتمند باشد. سپس از وهومنه یا بهمن، فرشته پاسدار گلّه می‌پرسد و او در پاسخ به نام «زرتشت» اشاره می‌کند. اما روان آفرینش به خاطر ضعف زرتشت اعتراض می‌کند و می‌گوید آیا او مجبور است از این انتخاب پیروی کند. چون او خواهان شهریاری قدرتمند است نه زرتشت. البته، با توجه به متن گات‌ها، این ضعف، ضعفِ تنهایی و مادی است نه معنوی. شاهد این ادعا این است که «من می‌دانم چرا ناتوانم. زیرا کم خواسته هستم و مرا یاران کم است.»(هات ۴۶، بند ۲) و از خدا می‌خواهد او را یاری کند.

1 . Geus Urvan

بنابراین، می‌توان چنین دریافت که چون زرتشت انسان کاملی بوده، اهورا او را برگزیده است. زرتشت، تمامی ویژگی‌های انسان کامل را داراست و نجات دهنده دیگر انسانهاست؛ زرتشت «سوشیانت[1]» است. سوشیانت آن گونه که در گات‌ها آمده است، نام خاص و شخص معینی نیست. در کتاب مقدس، سوشیانت به صورت اسم عام به معنای هر نجات دهنده و یا گروهی از اشوان به صورت اسم مفرد و اسم جمع به کار رفته است. بنابراین، درآیین زرتشت نجات دهندگان زیادی پیش بینی می‌شوند که البته اشوزرتشت برجسته‌ترین نجات دهنده است(مهر، ۱۳۸۰؛ محمدی ارانی،۱۳۸۶). معنای سوشیانت در گات‌ها با معنای آن در متون زرتشتی متأخر تفاوت دارد. در گات‌ها، سوشیانت به هر نجات دهنده ای اطلاق می‌شود که خود زرتشت نیز جزء آنان است. درحالی‌که در متون زرتشتی متأخر جنبه فرجام شناسی پیدا کرده است و به طور خاص به فرد معینی اطلاق می‌شود(آژیر، ۱۳۸۵). برای اثبات این مدعا می‌توان به بخشی از متن گات‌ها اشاره کرد که در آن خود زرتشت، سوشیانت معرفی شده است: «مرا به درستی از هنجار منش نیک بیاگاهان. سوشیانت باید بداند که پاداش او چه‌سان خواهد بود.»(هات ۴۸، بند ۹).

دلالت‌های تربیتی

غایت تربیت

قرب به اهورا: چنانکه اشاره شد، اساسی‌ترین ویژگی انسان کامل، قرب به اهوراست. بنابراین، آن می‌تواند مقصد و جهت نهایی تربیت نیز به شمار آید. از آنجا که کسب آسایش دو جهان و خوشبختی آدمی در گِرو روی آوردن به اهوراست، می‌توان نتیجه گرفت که قرب به اهورا، غایت تربیت است و از نظام تربیتی انتظار می‌رود که متربیان را به سوی این آرمان سوق دهد. به بیان دیگر، اهورا آغاز و انجام هر چیز است، پس او می‌تواند غایت تربیت نیز باشد.

هدف‌های کلی تربیت

شناخت قانون جهانی و عمل به آن: چنانکه اشاره شد، اشا قانون جهانی است. بهترین یاور اهورا و اساسی‌ترین عامل جاودانگی، اشویی زیستن است. انسان کامل بر اساس این قانون جهانی می‌اندیشد، سخن می‌گوید و عمل می‌کند. از این رو، نظام تربیتی مبتنی بر آیین زرتشت از متربیان انتظار دارد قانون جهانی را بشناسند و منطبق با آن زندگی کنند. به بیان دیگر، اشویی زیستن تحقق پیدا نمی‌کند، مگر در سایه

---

[1]. Saoshyant

شناخت و عمل به آن. نظام تربیتی، نخست باید بکوشد چیستی، ویژگی‌ها و آثار این قانون جهانی را به متربیان بشناساند، سپس شرایط و امکانات عمل به آن را فراهم آورد.

اخلاق مداری: با توجه به این که منش نیک شرط لازم دستیابی به راستی و قرب به اهوراست، می‌توان دریافت که «اخلاق» در آموزه‌های زرتشت نقش مهمی ایفا می‌کند. همه دین‌پژوهان و اندیشمندان بر این نکته اتفاق نظر دارند که آیین زرتشت اخلاق محور است. لذا، نظام تربیتی مبتنی بر این آیین نیز باید اخلاق مدار باشد. ایرانیان باستان، با الهام از آموزه های زرتشت اخلاق را بسیار قدر می‌نهادند. در تأیید این مطلب، فردریک مایر[1]بیان می‌کند که هدف ایرانیان در تربیت، ایجاد خصلت‌های اخلاقی است(مایر،۱۳۷۴). بنابراین، نظام تربیتی باید بکوشد آموزه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را در متربیان محقق سازد.

اشراق گرایی: چنانکه اشاره شد، انسان کامل از دانش لدنّی برخوردار است. این دانش، اهورایی است و خداوندی که بیش از هرکس دیگری به حقایق و دقایق جهان آگاه است، آن را به بندگان شایسته خود اعطا می‌کند. در اشراق، انسان بدون واسطه با سرچشمه هستی ارتباط پیدا می‌کند و به دقایق و باطن هستی آگاهی پیدا می‌کند. نظام تربیتی مبتنی بر این آیین به اشراق اهمیت می‌دهد. وظیفه مهم این نظام این است که زمینه‌ها و شرایط اشراق را فراهم آورد تا متربیان در درازمدت آمادگی پذیرش آن را پیدا کنند و به طور مستقیم تحت رهبری اهورا قرار گیرند. این آمادگی هم نیازمند پالایش درونی است و هم نیازمند ریاضت جسمانی.

رشد حس مسئولیت اجتماعی: انسان کامل به راستی دست یافته است و اندیشه، گفتار و کردار خود را مطابق آن سامان می‌دهد. از این رو، به حمایت از راستی بر می‌خیزد. به پیروی از راستی، اهل سکوت نیست و بنا بر مسئولیت اجتماعی خود باید افراد جامعه را به سوی آن سوق داده و ارشاد کند. سوشیانت، نجات دهنده است و هرکسی می‌تواند سوشیانت شود. انسانی که به راستی برسد، برای برپایی راستی، حس مسئولیت در او ایجاد می‌شود: «ای مزدا چه هنگام راستی و پاکی و پارسایی به سوی مان خواهد آمد و در پرتو چیرگی بر نفس آشتی و آرامش در جایگاه امن پدیدار خواهد شد؟ به هنگام پدیداری سیه کاران ستمگر چه کسانی در برابر ایستادگی خواهند کرد و چه کسانی از دانش و بینش نیک (وهومن) برخوردار خواهند شد؟ به راستی، سوشیانت و رهانندگان گیتی با پیروی و برخورداری از منش نیک (وهومن) بایسته (وظیفه) خود را انجام خواهند داد. آنها کردارشان از راستی و پاکی (اشا) سرچشمه

---
[1]. Mayer

گرفته و با آموزش‌های تو، ای مزدا، هماهنگی دارند و به درستی، از بین برندگان خشم و جدایی و پدیدآورندگان مهر و دوستی هستند.»(هات ۴۸، بند ۱۱و۱۲). بنابراین، سوشیانت برای برپایی راستی، پاکی، نیکی، مهر و دوستی احساس مسئولیت کرده و اقدام می‌کند. بین سوشیانت و حس مسئولیت اجتماعی پیوند عمیقی وجود دارد. در این نظام تربیتی رشد حس مسئولیت اجتماعی متربیان یکی از هدف‌های مهم تربیتی است. هرمتربی توانایی سوشیانت شدن را دارد. بنابراین، وظیفه مهم نظام تربیتی فراهم کردن شرایط برای سوشیانت شدن آنها و پرورش حس مسئولیت اجتماعی است.

اصول تربیت

خردورزی: این اصل ناظر بر هدف کلی شناخت قانون جهانی و عمل به آن و مبنای پیروی از اَشا یا راستی است. در گات‌ها به خردورزی و انجام کارها بر مبنای خرد دعوت شده است: «ای خداوند خِرد، کسانی از آن پاداش گران بها که نوید داده شده به تن و جان بهره‌مند می‌شوند که کار را از روی خِرد و منش پاک انجام دهند، برای پیشرفت و آبادانی جهان کوشش نمایند تا خواست خداوند هستی بخش را برآورده سازند و در پرتو راستی و پاکی(اَشا) در پیشرفت اراده الهی کوشا باشند.»(هات ۳۴، بند ۱۴). اَشه حتی اگر به انسان هم مربوط شود، یک توانایی و قدرت واقعی جهانی است. یک اصل معتبر همگانی و نیروی رهاننده ای است که انسان به وسیله مَنه[1] (اندیشه و دریافت نظم پذیر و خردمندانه) خود آن را می‌گیرد و در زندگی‌اش مؤثر می‌شود (هینتس،۱۳۸۲، ۲۳۴). بنابراین، برای دستیابی به اشا و شناسایی آن باید خردورزی کرد. آن گونه که زرتشت انجام می‌داد. اهورا، خرد جهانی است و چون آفریننده جهان و انسان است، پرتویی از آن در نهاد هر انسانی وجود دارد که راهنمای او در مسیر زندگی خواهد بود. از این رو، نظام تربیتی باید این استعداد را شکوفا سازد تا به یاری آن قانون جهانی درک و منطبق با آن عمل شود.

آزادی در انتخاب و پیروی از دئنا[2] (وجدان): این اصل متناظر با هدف کلی اخلاق مداری و مبنای منش نیک است. چنانکه اشاره شد، جهان از دو نیروی سپنتامینیو یا خیر و انگره مینیو یا شرّ آفریده شده است که در همه چیز حتی اندیشه، گفتار و کردار نمایان می‌شوند. از این رو، هم اندیشه، گفتار و کردار خوب داریم و هم اندیشه، گفتار و کردار بد. در این وضعیت آدمی باید دست به انتخاب بزند و این مهم جز در سایه آزادی انجام نخواهد شد. انتخاب یکی از این دو آزادانه صورت می‌گیرد(هات ۳۱،

---

[1]. mana

[2]. Daena

بند ۱۱؛ هات ۳۰، بند۲). روشن‌ترین نکته گات ها، آزادی کامل انتخاب است که جهت گزینش خوبی و بدی به هر انسانی تفویض شده است. بر اساس دیدگاه‌های منعکس شده زرتشت درگات ها، سرنوشت کوچک‌ترین دخالت و نفوذی در رفتار و آتیه بشر ندارد (گیگر[1]،۱۳۸۲). گات‌ها آدمیان را به انتخاب منش نیک، رهبر درست و حتی دین سفارش می‌کند (مهر،۱۳۸۰؛ الیاده،۱۳۸۱). در دین زرتشت از آدمی خواسته می‌شود که شیوه رفتار اهورا مزدا را سرمشق قرار دهد. در این انتخاب آزادی عمل دارد . بنابراین، برای گزینش هرکدام باید آزادی انتخاب داشت. اما آزادی صِرف برای اخلاقی زیستن کافی نیست، باید نیروی دیگری نیز وجود داشته باشد. زرتشت، این نیروی درونی را دئنا یا وجدان می‌خواند. دئنا مرکز اخلاق است. کسی که به فرمان وجدانش رفتار کند، از مسیر اخلاق دور نمی‌شود و وجدانش آرام و سربلند می‌ماند. اما کسی که وجدانش را نادیده بگیرد و اخلاق را رها کند، دئنای او رنج می‌بیند و آلوده می‌شود(مهر،۱۳۸۰). از دید زرتشت، این افراد وجدان خود را تباه کرده‌اند: «براستی هواخواهان دروغ، اندیشه پویندگان راه راست را پریشان کرده و وجدان خود را تباه می‌سازند. در روز واپسین، روان آنها بر سر پل چینوت (گذرگاه داوری) از برای کردار و گفتار زشت وکژی از راه راستی آنها را آشکارا سرزنش خواهد کرد.»(هات ۵۱، بند۱۳). نتیجه اینکه اخلاقی زیستن جز در سایه آزادی و پیروی از دئنا محقق نخواهد شد.

در نظام تربیتی مبتنی بر آیین زرتشت، نباید آزادی اعطا شده را سلب کنیم. بلکه باید به آزادی دست‌اندرکاران تربیتی و متربیان احترام گذاشت. اگر این نظام بخواهد به تلقین و تحکم متهم نشود، باید به متربیان آزادی در انتخاب اندیشه،گفتار و کردار ببخشد یا فضای آزاد فراهم کند. علاوه بر آن، باید بکوشد به متربیان در باب دئنا آگاهی ببخشد و پیروی کردن از آن را بیاموزاند.

پرورش ابزارهای شناسایی انسان: این اصل با هدف کلی اشراق گرایی و برخورداری از دانش لدنّی متناظر است. چنانکه اشاره شد، برای پذیرش اشراق‌های اهورایی باید آمادگی داشت. برای دست یابی به این حالت، پیروی از خرد، دئنا (وجدان)، اَهو[2] (جان) و فَرّه(روشنایی مینوی) مورد نیاز است. در گات‌ها در این باره چنین آمده است که «ای مزدا، کسی که با خواست درون و جانبازی (با دل و جان) میان وجدان و منش پاک خود پیوستگی پدید آورد، چنین کسی ازآرمئیتی و اَشا (ایمان به خدا و راستی) برخوردار شده و به زیور خِرد آراسته خواهد شد و سرانجام با برخورداری چنین فروزگان مینوی، ای اهورا، در سرزمین جاودانی تو به سر خواهد برد.»(هات ۴۹، بند۵).

[1]. Geiger
[2]. Ahu

پیرو بحث پیرامون اصل خردورزی و اصل آزادی در انتخاب و پیروی از دئنا معتقدیم که خرد و دئنا از شرایط دستیابی به اشراق می‌باشد. اهو و فرّه نیز از دیگر شرایط نیل به اشراق می‌باشند. «اهو همان «جان» است که بدن و روان را به هم پیوند می‌دهد. اهو لازمه زنده بودن است.»(مهر،۱۳۸۰، ۹۱). در ادبیات اوستایی و پهلوی، فرّه به برکت، اقبال و خواسته مربوط است. اما فرّه بر اثر وظیفه شناسی به دست می‌آید. اگر هرکس، هر طبقه و هر قوم خویش کاری ورزد، یعنی به وظایف خویش و وظایف طبقه و قوم خود عمل کند، فرهمند می‌شود و به خواسته و سعادت می‌رسد. اما فرّه، نیروی کیهانی و ایزدی نیز هست. فرّه، سوزان، درخشان و روشنی بخش است.»(واحد دوست، ۱۳۷۹). بنابراین، برای شناسایی و رسیدن به اشراق باید تمامی این ابزارها را در اختیار داشت. وظیفه نظام تربیتی است که این چهار ابزار شناسایی را پرورش دهد. متربیان برای دریافت دانش لدنّی و اشراق الهی باید خردمند باشند، به ندای وجدان گوش فرا دهند، از پیام‌های جان پیروی کنند و به تجلّی های فرّه دست یابند.

تلاش و پیکار اخلاقی: این اصل متناظر با هدف کلی رشد حس مسئولیت اجتماعی و مبنای ارشاد است. آیین زرتشت پیرو راستی، منش نیک و برپایی داد و ارشاد است. بنابراین، از پیروان خود تلاش برای پیشرفت و گسترش راستی و نیکی می‌طلبد. در گات‌ها، به طور مستقیم به اهمیت کار و تلاش برای پیشرفت انسان و جامعه اشاره شده است: «هیچ یک از این گناهکاران از مفهوم پیشرفت راستین که در اثر کار و کوشش به دست می‌آید و به انسان زندگی می‌آموزد، آگاه نیستند و از آزمایش آتشین بی خبرند.»(هات ۳۲، بند ۷). بر اساس این آیین «تنبلی، اهریمن و ناپسند است. خِرد اَهورایی، راستی و توان اخلاقی از آن کسانی است که برای آبادانی جهان کار می‌کنند. در همه کوشش‌ها باید دل‌ها را از دشمنی، خشم و دروغ نگاهداشت و راستی و مهر را گسترش داد.»(مهر،۱۳۸۰، ۶۸). بنابراین، ترک دنیا و پیشه کردن رهبانیت با روح آموزه های زرتشت ناسازگار است. از تأکید بر تلاش و کوشش پاره ای از آموزه های عملی مفید استنباط می‌شود: «خیر و صواب از دیدگاه عملی زردشت آن است که زمین را کشت و زرع کنند و غلات و سبزی‌ها را بپرورانند، گیاهان مضر و علف‌های هرزه را ریشه کن کنند، اراضی بایر را آباد کنند و زمین‌های خشک را آب دهند، جانوران سودمند را به ویژه گاو را که برای کشاورزان حیوانی مفید است به مهربانی و شفقت نگاه دارند و علوفه دهند.»(ناس، ۱۳۸۴،۴۶۲). اینها بخشی از مسئولیت اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهند. بخش دیگر آن که مهم‌تر است، پیکار با اهریمن و بدی خواهد بود. این پیکار. اخلاقی است نه نظامی. زندگی رزمگاه خوبی و بدی است و پیروان راستی باید برای نیکویی و

راستی تلاش و پیکارکنند. در این پیکار، هیچ گاه نباید دین راستی را کتمان کرد. پیکار اخلاقی، نخست باید در درون انسان صورت گیرد، آنگاه می توان برای راهنمایی دیگران اقدام کرد(مهر، ۱۳۸۰، ۶۹).

در نظام تربیتی مبتنی بر آیین زرتشت، متربیان باید از سستی و تنبلی پرهیزکرده و در راه پیشرفت و آبادانی تلاش کنند و در برابر بدی و اهریمن پیکار کنند و از خود ایستادگی نشان دهند. از همه مهم‌تر، نخست با نیروهای درونی خود پیکار نمایند. سپس با نیروهای اهریمنی جامعه. به بیان دیگر، خود سازی را بر اصلاح دیگری مقدم بدارند.

روش‌های تربیت

تدبّر در طبیعت: این روش ناظر بر اصل خردورزی، هدف کلی شناخت قانون جهانی و عمل به آن و مبنای پیروی از اَشا یا راستی است. بر اساس این روش، متربّی باید پیرامون طبیعت مشاهده ای عمیق و فکورانه داشته باشد نه سطحی و قشری. او باید به بینش دست یابد. این نوع مشاهده نه تنها به جهان استقلال نمی‌بخشد، بلکه آن را آیینه اهورا می‌داند. با تدبّر در طبیعت، متربّی خردورزی می‌کند، قانون جهانی را می‌شناسد و پیرو اَشا می‌شود. زندگی خود زرتشت، بهترین سرمشق برای تأیید این روش است. چنانکه اشاره شد، او پیش از رسیدن به مقام پیامبری، به تدبّر در طبیعت و کائنات پرداخت. مشاهده ماه، خورشید، شب و روز، تغییرات فصول و... همگی محرک خردورزی او شدند. با مشاهده عمیق این پدیده‌ها بود که سرآغاز و سرانجام هستی برای او آشکار شد: «ای خداوند جان و خرد، هنگامیکه در اندیشه خود تو را سرآغاز و سرانجام هستی شناختم، آنگاه با دیده دل دریافتم که تویی سرچشمه منش پاک، آفریننده راستی و داور دادگری که کردار مردمان جهان را داوری کنی.»(هات ۳۱، بند۸). همچنین، مشاهده قانونمندی جهان، متربّی را به قانون‌های موجود در درون خود فرا می‌خواند و اینجاست که آماده پذیرش دانش اهورایی می‌شود. با تأمل در این روش، حافظه محوری را که در ایران باستان رایج بوده است، به چالش فرا می‌خواند و نشان می‌دهد که با روح آموزه های زرتشت ناسازگار است.

آموزش فعال آیین زرتشت: این روش نیز متناظر با اصل خردورزی، هدف کلی شناخت قانون جهانی و عمل به آن و مبنای پیروی از اَشا یا راستی است. آیین زرتشت، سخن اهورا، تجلی دهنده اشا و نیکی است. به بیان دیگر، آیین راستین است و توجه به قواعد و فرامین آن زمینه ساز خردورزی، شناخت قانون دگرگون ناپذیر جهانی و پیروی از راستی است. بنابراین، باید آیین زرتشت را شناخت. این امر محقق نخواهد شد مگر با آموزش. اما این نوع آموزش باید فعالانه باشد و بتواند نیروی خرد متربّی را برانگیزاند. این نوع آموزش با حافظه محوری و آموزش مستقیم ناسازگار است و آنها را برای خردورزی

مناسب نمی‌داند. ممکن است گفته شود در روزگار ایران باستان آموزش فعال کمتر معمول بوده است. در پاسخ می‌توان گفت که روش این مطالعه استنتاجی است و می‌کوشد دلالت‌ها را از آموزه های فلسفی استنتاج کند. هرچند خلاف آن عمل شده باشد یا بشود. به بیان دیگر، چنانکه اشاره شد، این مطالعه با تکیه بر مبانی فلسفی به دنبال تجویز است نه فقط توصیف تربیت موجود در آن روزگار.

در تأیید آموزش فعال، در گات‌ها آموزه های زیبایی در مورد آموزگار و ویژگی‌های او وجود دارد: «آموزگار بد، گفتار را تباه می‌سازد و خِرد زندگی را با آموزش خویش باز می‌دارد.»(هات ۳۲، بند ۹). اما «آموزش مرد پارسا برای فرد از همه چیز سودمندتر است.»(هات ۳۲، بند ۱۶۴). خود زرتشت، نخستین آموزگار این آیین است: «ای جویندگان دانش، اکنون آموزش‌ها و پیامی را که تا به حال شنیده نشده است، برای شما آشکار خواهم ساخت. این پیام برای کسانی که از روی آموزش‌های نادرست، جهان را تباه سازند، ناگوار می‌باشد. ولی برای دلدادگان مزدا، خوشایند و شادی بخش است.»(هات۳۱، بند ۱). پس از زرتشت، روحانیون، آموزگاران آیینی می‌باشند.

پند و اندرز: این روش متناظر با اصول آزادی و پیروی از دئنا و تلاش و پیکار اخلاقی، هدف‌های کلی اخلاق مداری و رشد حس مسئولیت اجتماعی و مبانی منش نیک و ارشاد است. آیین زرتشت، نوعی اندرزنامه است. در بیشتر بندهای گات‌ها، پند و اندرز دیده می‌شود. خود زرتشت، نخستین اندرزگوست. با این بیان که «ای مردم بهترین سخنان را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه روشن و ژرف بینی آنها را بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را خود برگزینید. پیش از فرا رسیدن روز واپسین همه بپاخیزید و در گسترش آیین راستی بکوشید.»(هات ۳۰، بند ۱). «... این سخنان را به شما نوعروسان و تازه دامادان میگویم. امیدوارم اندرزم را با گوش بیدار بشنوید و با نهادی روشن آن را نیک دریابید و بیاد بسپارید. پیوسته با نیک منشی و مهر و دوستی زندگی کنید و بکوشید تا در راستی و پاکی از یکدیگر پیشی گیرید. بی گمان این چنین، از زندگی و خانمانی سرشار از خوشی و خوشبختی برخوردار خواهید شد.»(هات ۵۳، بند ۵). برای تبیین این روش، نخست به بررسی آزادی می‌پردازیم.

بر اساس آیین زرتشت، باید شرایط آزادانه برای رشد متربّیان فراهم شود. اما اگر آزادی در رابطه با قانون علّت و معلول در نظر گرفته نشود، فهم آن ناتمام خواهد بود. «پیامدهای اعمال هرکس را قانون اشا معین می‌کند.»(مهر، ۱۳۸۰،۹۶). به تعبیر ادبی آن «گندم زگندم روید و جو ز جو». آثار هر عملی ریشه در ماهیت آن عمل دارد. بنابراین، متربّی نمی‌تواند با قانون هستی مخالفت کند و هر راهی را که می‌خواهد برگزیند. انتخاب او به وسیله قانون اشا و پیامدهای آن مرزبندی می‌شود. اما به آن «تعیّن» بخشیده

نمی‌شود. آزادی، تنها در سایه قانون اَشا معنا پیدا می‌کند. بنابراین، مهم‌ترین کاری که در این حالت می‌توان انجام داد، آگاهانیدن متربیان از چیستی نیکی و بدی و پیامدها و عواقب آنهاست تا از این طریق به آنان در انتخاب راه درست یاری شود. این کار توسط پند و اندرز مربی انجام می‌پذیرد. البته پند و اندرز نباید فروکوبنده آزادی متربیان باشد که در این وضعیت نقض غرض خواهد شد.

پند و اندرز در بیداری دئنا نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. دئنا می‌تواند منحرف شود یا به ندای نیروی انگره مینیو و پیروان آن پاسخ دهد. اما با پند و اندرز از این آسیب جلوگیری می‌شود. از سوی دیگر، پند و اندرز در تلاش برای اثبات و اجرای راستی و پیکار در برابر ناراستی حائز اهمیت است. زیرا نفس پند و اندرز، تلاش و پیکار اخلاقی است که با روشن کردن راه نیکی و بدی و آثار آنها می‌تواند متربیان را به تلاش و پیکار اخلاقی نیز سوق دهد. با این عمل، جامعه به تهذیب و پالایش اخلاقی خواهد رسید و زمینه برای حکومت اهورا و سپنته مینو فراهم می‌آید.

آموزش فن سخنوری: این روش متناظر با اصل تلاش و پیکار اخلاقی، هدف کلی رشد حس مسئولیت اجتماعی و مبنای ارشاد است. علاوه بر پند و اندرز، این روش نیز بسیار مهم است. اصل تلاش و پیکار اخلاقی هم جنبه ایجابی دارد و هم جنبه سلبی. جنبه ایجابی آن ناظر بر گسترش و بسط راستی، نیکی و آبادانی است و جنبه سلبی ناظر بر زدودن ناراستی، بدی و خرابی است. فن سخنوری می‌تواند ابزاری در خدمت هر دو جنبه باشد. یعنی هم به توسعه راستی و نیکی یاری رساند و هم به زدودن ناراستی و بدی. از سوی دیگر، یکی از شیوه های کهن پند و اندرز، فن سخنوری و بیان است که باید مزین به فصاحت و بلاغت باشد. بنابر این دو دلیل، این فن روش خوبی تلقی می‌شود. در خود گات‌ها نیز عبارت‌هایی دال بر اهمیت سخنوری وجود دارد: «ای اشا، مظهر راستی و پاکی، کِی به زیارت تو نایل خواهم شد؟ ای وُهومن، مظهر اندیشه نیک آیا با دانش الهی و خرد واقعی تو را خواهم شناخت؟ آیا با فرمان‌برداری از ندای وجدان و فرمان اهورایی به سوی هستی بخش دانا و توانا راه خواهم یافت؟ بشود که در پرتو گفتار مقدس و با نیروی بیان،گمراهان را به برترین راه که همانا راه راستی و یکتاپرستی است رهبری کنم.»(هات ۲۸، بند ۵). «... شما [ای] کسانی که به سخنان من گوش [فرا] می‌دهید [و] از قانون اشا آگاهی می‌یابید، برابر آن رفتار کنید. شما درمان کنندگان روان و چاره جویان زندگانی هستید. شما پیام رسان آموزش دهنده راستین خواهید بود. شما سخنوران برخوردار از فروغ اندیشه اهورایی هستید که با ژرف نگری و با نفوذ گفتار برای خوشبختی آدمیان کار می‌کنید.»(هات ۳۱، بند ۱۹). از این رو، در این آیین به سخنوری توجه زیادی شده است.

برای کسب مهارت در سخنوری باید آن را به متربیان آموزش داد که مورد تأیید آیین زرتشت نیز بوده است. تعلیم نطق و بیان از جمله منظورهای اصلی و مهم بوده است که از زمان‌های قدیم و دوره اوستا پسندیده دانسته می‌شد. بیان فصیح و نطق رسا تا حدی مورد توجه ایرانیان باستان بود و یکی از اصول سه‌گانه دین زردشتی به شمار می‌رفت. زیرا اساس فلسفه اجتماعی زردشت اندیشه خوب، گفتار نیکو و کردار نیکو بود. بر جوان‌ها لازم بود که در شوراهای خانوادگی و انجمن‌های قبیله‌ای و ملی شرکت نمایند. در آن مجامع لازم بود که نطق جوانان رسا و گیرا باشد و از روی هوش و قریحه ادا شود. اشاره های زیادی که راجع به نطق و فصاحت در اوستا موجود است، اهمیت آن را در حیات ایرانیان باستانی مبرهن می‌سازد(شوقی، ۱۳۳۰).

ستایش و عبادت: این روش متناظر با اصل پرورش ابزارهای شناسایی انسان، هدف کلی اشراق گرایی و مبنای برخورداری از دانش لدنّی است. پرورش چهار ابزار شناسایی خرد، وجدان، جان و فرّه تنها در سایه آموزش و شناخت به دست نمی‌آید، بلکه باید با نیروی عمل و تربیت عملی نیز به این کار اهتمام ورزید. بر این اساس، ستایش و عبادت یکی از راه های عملی پرورش این ابزارهاست. خرد، وجدان، جان و فرّه از طریق ستایش و عبادت برانگیخته می‌شوند و نوعی هماهنگی میان آنها به وجود می‌آید.

در گات‌ها، درباره شیوه ستایش چنین آمده است که «باید در ستایش‌های او حالت تواضع و خشوع را رعایت کرد.»(هات ۲۸، بند ۱۰). یکی از آیین‌های عبادی آیین زرتشت که اهمیت زیادی دارد، آیین «سدره پوشی» است. زیرا با انجام آن دختر و پسر زرتشتی شناخته می‌شوند. این آیین هنگام رسیدن به بلوغ انجام می‌پذیرد و در ادای آن نماز گزارده می‌شود. با انجام آن پسر یا دختر به طور رسمی وارد این آیین و مراسم‌های عبادی می‌شود. نماز یکی از آداب مهم عبادی است که «بنا به سنت، نماز زرتشتیان پنج بار در روز انجام می‌شود... نماز گاه هاون (بامدادان= از برآمدن خورشید تا نیمروز)... گاه رَپَتوَن(از نیمروز تا پسین)... گاه اُزیرَن(پسین تا فرورفتن خورشید)...گاه سروثرَم (فرورفتن خورشید تا نیمه شب)... گاه اوشَهی نا ای(از نیمه شب تا برآمدن آفتاب).»(مهر، ۱۳۸۰، ۱۹۷-۱۹۵).

بازی، ورزش و آموزش‌های جنگاوری: این روش متناظر با اصل پرورش ابزارهای شناسایی انسان، هدف کلی اشراق گرایی و مبنای برخورداری از دانش لدنّی و اصل تلاش و پیکار اخلاقی، هدف کلی رشد حس مسئولیت اجتماعی و مبنای ارشاد است. چنانکه اشاره شد، ابزارهای چهارگانه شناسایی تنها از طریق کارهای علمی و دانش نظری پرورش نمی‌یابد، بلکه تربیت عملی بسیار تأثیرگذار است. ورزش،

بازی و آموزش‌های جنگاوری نمونه دیگری از تربیت عملی است. این روش، علاوه برآنکه ناظر بر رشد ابزارهای شناسایی است، به تربیت بدنی نیز نظر دارد. در این آیین، به بدن و نیروی جسمانی بسیار بها داده شده است. این توجه بیشتر ناشی از آن است که برای پیکار با بدی و برپا کردن راستی نیروی بدنی ضروری است. در گات‌ها به نقش نیروی بدنی در این پیکار اشاره شده است: «کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بازوان خویش با بدکاران پیکار کند و نقشه آنها را نابود سازد و یا آنان را به راه راست رهبری کند، به درستی چنین شخصیتی خواست پروردگار را انجام داده و به خداوند جان و خرد عشق می‌ورزد.»(هات ۳۳، بند ۲). درجای دیگری آمده است که «پروردگارا، برای استوار ماندن به آیین راستی، از تو نیروی تن و روان خواستارم.»(هات ۴۳، بند ۱). بنابراین، تربیت بدنی و روش‌های پرورش دهنده تن ضرورت پیدا می‌کنند.

در این آیین، آنقدر به سلامتی و نیرومندی جسم بها داده می‌شود که حتی سلامتی جسم یکی از دعاهای زرتشتیان بوده است. در اوستا یک کلمه هم در نهی بازی و ورزش دیده نمی‌شود و مذهب زرتشت بر تقویت بنیه جسمانی و آموزش مهارت‌های نظامی تأکید و توصیه زیادی دارد(دایره‌المعارف جهان اسلام به نقل از نیکوبخت و همکاران، ۱۳۸۵). برای انجام این مهم، برپایی بازی‌های قهرمانی، جشن‌های مذهبی نظیر جشن مهرگان که در آن به نمایش بازی‌های قهرمانی و قدرت نمایی و تأسیس زورخانه و تمرین با ابزارهای جنگی چون گرز و کمان و سپر بورزش با میل و کباده و سنگ رواج یافت(شهزادی، ۱۳۳۰). ورزش در آن عصر عبارت بود از سواری، تیراندازی، چوگان‌بازی، زوبین-اندازی، شنا، شکار، کشاورزی، راه‌پیمایی در گرمای طاقت‌فرسای تابستان یا سرمای سخت زمستان(بیات، ۱۳۵۷). بازی، ورزش و آموزش‌های جنگی برای همه متربیان الزامی بود و جنبه همگانی داشت.

نتیجه گیری

بنا بر گزاره‌های فلسفی درباره انسان کامل، او دارای ویژگی‌هایی مانند قرب به اهورا، پیروی از اَشا یا راستی، منش نیک، برخورداری از دانش لدنّی و ارشاد می‌باشد. بر اساس این مبانی، غایت تربیت، قرب به اهورا و هدف‌های کلی آن، شناخت قانون جهانی و عمل به آن، اخلاق مداری، اشراق گرایی و رشد حس مسئولیت اجتماعی است. اصول تربیتی متناظر با این مبانی و هدف‌های کلی عبارتند از خردورزی، آزادی و پیروی از دئنا، پرورش ابزارهای شناسایی انسان و تلاش و پیکار اخلاقی. متناظر با این اصول، هدف‌ها و مبانی، روش‌های تربیتی چون تدبّر در طبیعت، آموزش فعال آیین زرتشت، پند و اندرز، آموزش فن سخنوری، ستایش و عبادت، بازی، ورزش و آموزش‌های جنگاوری استنتاج شد.

منابع

آژیر، اسدالله (۱۳۸۵). منجی باوری در گات‌های زرتشت: همه– سود رسانندگی اشاباوران. *پژوهشنامه فلسفه دین(نامه حکمت)*، ۷، ۱۶۸–۱۴۵.

آقایی، مجتبی (۱۳۷۸). زمان ظهور زرتشت از نگاهی دیگر. *هفت آسمان*، ۲، ۲۶–۱۸.

الیاده، میرچیا (۱۹۸۱). نگاهی کوتاه بر واقعیت تاریخی و پیام های آسمانی زرتشت. ترجمه حسین حیدری (۱۳۸۱). *کتاب ماه دین*، ۶۰ و ۶۱، ۵۳–۴۶.

الهامی، داود (۱۳۷۸). «زرتشت» و «اوستا». *کلام اسلامی*، ۳۱، ۴۷–۳۰.

باقری، خسرو (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*(جلد اول)، تهران: مدرسه.

بیات، عزیزالله (۱۳۵۷). آموزش و پرورش در ایران باستان. *بررسی‌های تاریخی*، ۷۶، ۲۵۴–۲۲۳.

تبارصفر، صفدر (۱۳۸۴). مسئله شر. *معرفت*، ۸۸، ۱۰۰–۸۹.

جیوانجی، جمشید جی مدی؛ شهمردان، رشید (۱۳۵۴). زادبوم زرتشت. *بررسیهای تاریخی*، ۵۹، ۱۱۰–۶۱.

رجبی، پرویز(۱۳۸۰). اهورامزدا و زرتشت. *نامه انجمن*، ۲، ۱۲۵–۱۰۰.

رستمی نسب، عباسعلی(۱۳۸۲). زرتشت و تربیت. *مطالعات ایرانی*، ۴، ۷۴–۶۱.

رضوی، عبدالحمید (۱۳۸۴). نگاهی به تعلیم و تربیت از دیدگاه زرتشت. *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۴، ۱۷۹ – ۱۶۹.

رضی، هاشم (۱۳۸۱). *زرتشت پیامبر ایران باستان*، تهران: بهجت.

زرشناس، زهره (۱۳۳۰). *زبان و ادبیات ایران باستان*. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

سخایی، مژگان (۱۳۸۲). آموزهٔ توحید در دین زرتشتی. *مشکوه النور*، ۲۳، ۱۵۲–۱۳۰.

شهزادی، رستم (۱۳۳۰). تعلیم و تربیت در ایران باستان. *آموزش و پرورش(تعلیم و تربیت)*، ۵، ۱۳– ۱۱.

شوقی، عباس (۱۳۳۰). پایه گذاران تربیت، *آموزش و پرورش(تعلیم و تربیت)*، ۱، ۱۴–۸

شیخی، موریس (۱۳۷۶). نگرشی براسلام و زرتشت. تهران: توحید.

طوسی، بهرام (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴). کانت و زرتشت. *سروش اندیشه*، ۱۲و ۱۳، ۱۰۶–۹۱.

فیاض بخش، نفیسه (۱۳۸۸). نوآوری های فیلسوفان اسلامی در پاسخ به شبههٔ شر. *قبسات*، ۵۲، ۱۶۶–۱۴۷.

گاتاها (۱۳۸۳). ترجمه و پژوهش آبتین ساسانفر. تهران: بهجت.

گاتاها (۱۳۵۴). ترجمه پورداوود. تهران: دانشگاه تهران.

گیگر، ویلهلم (۱۹۳۲). زرتشت درگاثاها. ترجمه و پژوهش هاشم رضی(۱۳۸۲)، تهران: سخن، ۱۴۹–۲۱.

ماحوزی، مهدی (۱۳۸۳). بن مایه تفکر توحیدی زرتشت از خلال «گاثاها». *زبان و ادبیات*، ۳۸، ۶۲–۴۹.

مایر، فردریک (۱۹۷۳). *تاریخ اندیشه های تربیتی*. ترجمه علی اصغرفیاض (۱۳۷۴)، تهران: سمت.

محمدی ارانی، مریم (۱۳۸۶). منجی گرایی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت). *طلوع*، ۲۲، ۵۲–۳۵.

مهر، فرهنگ (۱۳۸۰). *دیدی نوازدینی کهن*. تهران: جامی.

ناس، جان بایر (۱۹۶۸). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغرحکمت (۱۳۸۴)، تهران: علمی و فرهنگی.

نیکوبخت، محمد؛ مظفری، امیراحمد؛ مفتخری، حسین (۱۳۸۵). نحوه پرداختن مردم ایران به روش تربیت بدنی با توجه به تحولات مدیریتی از آغاز سلطنت هخامنشیان تا پایان سلطنت پهلوی. *علوم حرکتی و ورزش*، ۷، ۳۶- ۲۵.

واحد دوست، مهوش (۱۳۷۹). *نهادینه های اساطیری در شاهنامه فردوسی*. تهران: سروش.

هینتس، والتر (۱۹۳۲). *زرتشت «پژوهشی درباره گاثاها»*. ترجمه هاشم رضی(۱۳۸۲). ۲۶۹-۱۵۳، تهران: سخن.

Corduan. W. (1997). The date of Zoroaster: some opologetic considerations. *Presbyterion*, 23(1), 25-42.

Kapadia. S. A. (1905). *The teachings of Zoroaster and the philosophy of the parsi religion*. The Orient Press, 4, Harcourt Buildings, Inner Temple, London.

Skjærvo. P. O. (2006). *Introduction to Zoroastrianism*, Early Iranian civilaizations102 (Divinity School no, 3663a).